

شیطان پرستان از کجا می آیند؟

شیطان پرستی ریشه در بخشی از فلسفه و اندیشه سیاسی و اجتماعی غرب دارد. اندیشه ای که خشونت برای رهایی از قید و بندهای اخلاقی را دامن می زند.



شیطان پرستی ریشه در بخشی از فلسفه و اندیشه سیاسی و اجتماعی غرب دارد. اندیشه ای که خشونت برای رهایی از قید و بندهای اخلاقی را دامن می زند. اندیشه ای که انسان غربی را از دین و معنویت تهی می کند و در نهایت، غرق شدن در لذات و مادیات معنوی را بر هر قاعده و محدودیت اخلاقی ترجیح می دهد. سؤال هائی همانند اینکه «آیا واقعاً در ایران شیطان پرست و شیطان پرستی به مفهوم مدرن آن وجود دارد» نیز مطرح شده که تلاش شده است در این نوشتار پاسخ هائی را برای آن ارائه کنیم.

اما موضوع اصلی این نوشتار بررسی دقیق تر ریشه ها یا دلایل شکل گیری این انحراف کلان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در غرب است. در بررسی عوامل شکل گیری کلی شیطان پرستی در غرب با توجه به مطالعات و بررسی های صورت گرفته می توان چند عامل ذیل را مورد بحث قرار داد:

- فلسفه و اندیشه سیاسی- اجتماعی غرب

- خشونت و بازتولید توحش در غرب

- پیوستگی فرهنگ زندگی آمریکایی با منافع ملی آمریکا

- فقدان هویت و الگوی انسان غربی

- خالی بودن جامعه غربی از دین و معنا

- سوداگری های سودجویان

در ادامه این نوشتار به تشریح هر يك از بندهای مورد اشاره خواهیم پرداخت.

فلسفه و اندیشه سیاسی - اجتماعی غرب

فلسفه غرب موضوع و مقوله ای است که در بسیاری از شؤون زندگی انسان غربی قابل جست وجو و ملاحظه است. در سبک زندگی، اداره جامعه، مشارکت سیاسی، تفریح و . . همه و همه حامل آموزه ها و نمادهایی از فلسفه سیاسی غرب است.

برای انسان غربی امروز لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی تعیین کننده در تمامی عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و . . مطرح بوده و همواره به رغم ادعاهای متفاوت تئوریسین های لیبرالیسم، به امور مقدس بدل شده است.

لیبرالیسم تعریفی از انسان ندارد، به جز آنکه آدمی موجودی دو پاره از «درد و لذت» است و حکومت باید از دردها بکاهد و به لذت ها بیفزاید و در همین مرحله است که هر عمل خلاف اخلاق و شنیعی صرف آنکه لذت بخش و شادی آور باشد، توجیه و تجویز می شود.

در همین رابطه موضوع اظهارات فلسفی «لاک» در ارتباط با طبیعت بشر قابل توجه است: آزادی طبیعی بشر عبارت است از هرگونه قدرت ما فوق زمینی رها باشد و تابع اراده یا اقتدار قانونی بشر نباشد، بلکه فقط از قانون طبیعت پیروی کند. (۱)

جان لاک در جایی دیگر نیز ابراز عقیده می کند: آزادی آن است که فرد تا جایی که قوانین متبوعه او اجازه می دهد، در آنچه می خواهد با شخص خود، کار خود و مستملکات خود و تمامی دارایی خود بکند، آزاد باشد و... بلکه آزادانه به دنبال هر راهی که می خواهد برود. . . (۲)

این آزادی گرابی و امثال چنین تلقیاتی ناپخته ای از آزادی باعث شد تا انسان غربی درصد مقابله با هر چیزی برآید که او را محدود می کند.

حتی تاریخ اروپا و غرب شاهد مبارزه گروه قابل توجهی با قوانینی بوده که به دست بشر و براساس غرایض خود او بنا شده بود که این گروه بعداً ذیل عنوان آنارشیست ها به خودنمایی پرداختند.

در هر حال منظور از اشاره به فلسفه غرب این مهم بود که شیطان پرستی با توجه به شعارهایی نظیر آزادی و رهایی از هر نوع قید و بند، به نحوی ریشه در فلسفه غرب دارد.

همچنین در بیان روحیات آنتوان لاوی، پایه گذار شیطان پرستی آمریکایی ذکر شده است که وی علاقه وافری به «نیچه» تئوریسین «پوچ گرابی» و «اصالت قدرت» ابراز می کرد.

همچنین در فهرست چهره های مورد علاقه لاوی سایر پوچ گرایان یا طنزپردازان و نویسندگان که دید بسیار تیره ای نسبت به جهان و ماهیت انسان دارند به چشم می خورد که همگی تلاش می کردند تا به نوعی «انسان را گرگ انسان» معرفی کنند.

همچنین باید توجه داشت بسیاری از ویرانی های دیگر اخلاقی غرب نیز مولود فلسفه مادی گرایانه و پوچ گرایانه غربی است که انسان را موجودی ناقص الخلقه و سرشار از غریزه و تباهی توصیف و تفسیر می کند.

طبیعتاً از چنین فلسفه ای نمی توان انتظاری بسیار زیاد داشت و باید به همین شرایط نامساعد اخلاقی رضایت داد.

خشونت و بازتولید توحش در غرب

آنتوان لاوی و سپس مرلین منسون هر دو اظهار داشته اند مدتی را در نشریات حوادث آمریکا به عنوان خبرنگار و عکاس در امور جنایی مشغول به کار بوده اند.

آمارهای خیره کننده اینترنل (پلیس بین الملل) در آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی، تاییدکننده موج وسیعی از انواع خشونت های وحشت آفرین در این کشورهاست.

اما در این میان برخی از لابی‌های پرنفوذ در این کشورها که دست اندرکار امور فرهنگی و هنری و مؤسسات بسیار بزرگی مثل هالیوود هستند با جهت‌گیری خاصی به بازتولید این خشونت‌ها می‌پردازند.

برخی از صاحبزنان بر این باورند که کمپانی‌های بزرگ نظامی که اسلحه‌های گرم انفرادی را تولید می‌کنند، سفارش‌دهندگان اصلی فیلم‌های وحشت‌آفرین به سینمای هالیوود هستند.

هر دو گروه نیز (یعنی گروه فعالان هنری و فرهنگی در هالیوود و مجتمع‌های نظامی) از گروه‌های پرنفوذ صهیونیسم بین‌المللی تغذیه و پشتیبانی می‌شوند. دقیقاً در همین تقاطع قابل توجه است که می‌توان به نقش لابی‌های پرنفوذ صهیونیستی در بازتولید خشونت‌های ویرانگر در سراسر جهان و به ویژه آمریکا اشاره کرد البته باید در این بخش یادآوری شود که آتش خشونت‌های مختلف دامن رژیم صهیونیستی را نیز گرفته و هر روز حتی در پادگاه‌های نظامی اسرائیل سربازان اسیر خشونت‌های جنسی هم قطارانشان می‌شوند.

همچنین باید توجه داشت در جامعه آمریکا خشونت یک مفهوم کاملاً مردود نیست بلکه به عنوان یک ارزش اجتماعی در بسیاری از موارد تبلیغ می‌شود و حتی پلیس این کشور از انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه شهروندان نیز دریغ نمی‌کند.

وجود قتل‌های شبکه‌ای بسیار وحشیانه در آمریکا و تجاوزهای پی‌درپی جنسی و خشونت علیه سایر نژادهای انسانی واقعیت‌هایی است که هر شهروند آمریکایی هر روز آنها را مشاهده می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. تولد شوم شیطان پرستی نیز مرهون علل و عوامل متعددی از جمله تبدیل شدن خشونت به یک ارزش در جامعه غرب و خصوصاً آمریکاست.

بسیاری از کسانی که با این انحراف بزرگ اخلاقی و اجتماعی‌آشنایی دارند به خوبی می‌دانند خشونت‌های وحشیانه و غیرضروری از ویژگی‌های خاص پیروان این دست از گروه‌هاست.

پیوستگی فرهنگ زندگی آمریکایی با منافع ملی آمریکا

رهبران بسیاری از کشورهای جهان بر این باورند که فرهنگ اجتماعی و سیاسی شهروندان آن کشورها در ارتباط مستقیم با تأمین منافع ملی کشورشان هستند. برپایه همین باور دولت‌ها به تنظیم و مهندسی فرهنگ عمومی کشورشان و اثرگذاری بر باورهای عمومی رایج می‌پردازند، اما نکته حائز اهمیت آن است که سرکردگان آمریکایی فرهنگ مناسب و آمریکایی خوب را یک آمریکایی بدون عقیده، مخالف با خانواده، دین‌گریز، خوش‌گذران و... توصیف می‌کنند که البته بسیاری از شهروندان عادی آمریکا نیز به این تعریف حکومتی واکنش‌های منفی نشان می‌دهند.

این در حالی است که سینما، تلویزیون و شبکه‌های رسمی و غیررسمی که در امر فرهنگ‌سازی در آمریکا فعال می‌باشند، دائماً در تلاشند تا شهروند خوب را شهروندی لابی‌معرفی کنند.

طبیعی است در چنین شرایطی برنامه‌های فرهنگی سازمان‌های جاسوسی آمریکا و در صدر آنان سیا (CIA) روی تهنی‌سازی فرهنگی ساماندهی شود. حضور «مایکل آکینو» جاسوس شناسنامه‌دار سازمان سیا در کنار آنتوان لوی که بعداً خود نیز فرقه جدیدی از شیطان پرستی را پایه‌گذاری کرد و به بسط برنامه‌های انحرافی آمریکا در قبال مردم جهان پرداخت، گواهی روشن بر این مدعاست.

اینگونه تعریف منافع باعث می‌شود تا فرهنگ زندگی آمریکایی به عنوان یک محور عمده در برنامه‌های ترویجی سازمان‌های جاسوسی آمریکا برای خلع سلاح فرهنگی نیروهای معارض یا کشورهای که در آنها به صورت بالقوه این نیروها ممکن است وجود داشته باشند، مورد استفاده قرار بگیرد. صرف نظر از سایر مباحث این ویژگی‌ها در فرهنگ زندگی آمریکایی همچون تنوع طلبی، لذت‌جویی، خشونت‌گرایی، بی‌قید و بندی و... زمینه‌ساز شکل‌گیری برخی از گروه‌های انحرافی نظیر رادیکال‌ترین شکل آن «شیطان پرستی» یا «شیطان‌گرایی» است.

فقدان هویت و الگوی انسان غربی

انسان غربی به نحو بارزی از عدم حضور یک الگو در رنج و عذاب است و به فراخور آن به خلق الگوهای کاذب و ناچیز دست می‌زند. این الگوها که خود نیز فاقد هویت هستند، به نحوی باید طراحی شوند که معارضه‌ای با دموکراسی لائیک و جامعه سکولاریزه شده غرب به وجود نیآورند.

این الگوها باید به اندازه کافی شکننده و در خدمت چند صباحی بیشتر نباشند.

دین ستیزی و تقدی زدایی از جمله مواردی است که در سلسله اقدامات و نکات القای الگوهای غربی به تناوب دیده می‌شود و این وضعیت در الگوهای دست‌ساز «شیطان پرستی» نیز کاملاً مشهود است.

انسان غربی که عمیقاً دچار احساس بی‌هویتی و پوچی است می‌کوشد تا به مدد این الگوهای کاذب خود را از سراب نیستی و بی‌هویتی نجات دهد، اما دریغ از آنکه هیچ تشنه‌ای با سراب طعم سیرابی را نمی‌چشد.

شاید در اینجا لازم به ذکر این مهم باشد که درست براساس همین دلیل هیچ جوان ایرانی نمی‌تواند به معنای حقیقی کلمه به سلب گروه‌های شیطان پرستی و انواع جدید یا قدیم آن درآید زیرا جوان ایرانی چه در آموزه‌های مذهبی و چه در فضای ملی دارای اسطوره‌های سترگ و ارزشمندی است که آنان را قیاس با هیچ یک از الگوهای فاسد غربی نیست. اگرچه ممکن است این گروه‌ها برای مدت کوتاهی هوادارانی را به خود جذب و اثرات مخربی را ایجاد و از صحنه جامعه نیز محو شوند.

خالی بودن جامعه غربی از دین و معنا

وقتی جامعه‌ای از معنویت و به معنای صحیح آن دین به دور مانده، طبیعی است که در انواع گرفتاری‌های فکری ق.ع. فلسفی و اخلاقی ق.ع. اجتماعی نظیر شیطان پرستی مغروق خواهد شد البته دولت‌ها و جریان‌های کلان ذی نفوذ غربی مدت‌های بسیار زیادی کوشیدند تا عرفان‌های کاذب و سکولار را جانشین میل معنویت خواهی مردم نمایند، اما خالی شدن جامعه انسانی از دین اثرات مخرب خود را بر جای گذاشت.

امروزه تقریباً تمامی مبلغان آیین‌های توحیدی و الهی به صورت یکپارچه به مقابله با جریان‌های انحرافی نظیر شیطان پرستی پرداخته‌اند. به طور مثال کلیسای کاتولیک برنامه مفصلی را در مقابله با موسیقی «راک» و «شالیکا» به مرحله اجرا گذاشت که البته توفیق چندانی نیافت.

در هر حال شکل‌گیری گروه‌هایی نظیر شیطان‌گرایی در غرب هشدار است برای مسئولان کشورهای شرقی و خصوصاً اسلامی برای تقویت هر چه بیشتر آموزه‌های دینی در راستای ایمن‌سازی فرهنگی.

سوداگری‌های سودجویان

مسئله پول همواره از جمله عواملی بوده است که رویدادهای گوناگونی را در جهان رقم می‌زند.

سرمایه‌گذاری‌های کثیف در جهان که اغلب نیز در دست گروه‌های صهیونیستی قرار دارد از تجارت زنان و دختران گرفته تا تولید و توزیع فیلم و سایت‌های ضداخلاقی و

مستهجن در انحصار کامل يك لابی بزرگ اسراییلی قرار دارد. این گروه برای تامین منافع هر چه بیشتر مالی خود به خلق گروه های هرزه گرای جنسی که اعمال وحشیانه و البته متنوعی را در این رابطه تبلیغ می کنند، مبادرت می نماید. این سودجویان در امر تجارت کثیف مذکور از متخصصان غیرمتعهد در اموری همچون رسانه ها، فرهنگ و هنر و حتی روانشناسی بهره مند می شوند و خدمت آنان را خریداری می کنند. بسیاری از خوانندگان گروه های شیطان پرستی در خارج از کشور به عنوان عامل این باند بزرگ اقتصادی عمل کرده و از سرزیر حساب های بانکی بین المللی سرکردگان لابی استفاده می کنند. گروه های تولید لباس، جواهرات و زیورآلات و... نیز از جمله مجموعه های اقماری سوداگرانی هستند که از زاویه «مدگرایی» جوانان کم آگاه نهایت سوءاستفاده را به عمل می آورند.

پی نوشت ها:

۱- و.ت. جونز- خداوندان اندیشه سیاسی، جلد دوم، قسمت اول، ص ۲۰۲

۲- همان، ص ۲۰۵.

منبع: جهان نیوز